

بسم الله الرحمن الرحيم

سرآبِ اتحادهای استراتژیک؛ صف‌بندی هند و امارات مقابل سعودی، پاکستان و ترکیه!

(ترجمه)

خبر:

امارات متحده عربی و هند در جریان سفر محمد بن زاید، رئیس‌جمهور امارات به هند، توافق‌نامه تفاهمی برای شراکت استراتژیک در حوزه دفاعی میان دو کشور امضا کردند.

وزیر امور خارجه هند با اشاره به امضای این توافق‌نامه تفاهم با امارات تأکید کرد که این توافق لزوماً به معنای ورود هند به درگیری‌های منطقه‌ای نیست. اعلام این توافق در حالی صورت می‌گیرد که اسلام‌آباد پیش‌تر از آماده‌سازی پیش‌نویس یک توافق دفاعی سه‌جانبه میان پاکستان، سعودی و ترکیه خبر داده بود.

علاوه بر همکاری‌های دفاعی، ابوظبی و دهلی‌نو قراردادی به ارزش ۳ میلیارد دلار امضا کرده‌اند که بر اساس آن، هند به مدت ۱۰ سال گاز طبیعی مایع (الان‌جی) از امارات خریداری خواهد کرد. دو طرف همچنین توافق کرده‌اند که حجم مبادلات تجاری خود را تا سال ۲۰۳۲ دو برابر کرده و به ۲۰۰ میلیارد دلار برسانند. (شبکه الجزیره)

تبصره:

این‌که تصور شود ائتلاف استراتژیک میان هند و امارات در برابر ائتلاف استراتژیک پاکستان، سعودی و ترکیه قرار دارد، تصویری است کاملاً نادرست.

دلیلش روشن است؛ زیرا سرزمین‌های که اختیار ترسیم سیاست‌های خارجی خودشان را چه در سطح منطقه‌ای و چه بین‌المللی در دست ندارند و تابع ارباب غربی خویش هستند؛ اربابی که هم بر سرنوشت این مناطق مسلط است و هم بر سیاست‌های‌شان، همان ارباب است که مسیر حرکت را تعیین می‌کند و این مناطق را وادار می‌سازد که در خدمت منافع او باشند، نه منافع مردم؛ مگر آن‌که به‌طور اتفاقی، منافع دو طرف با هم تعارضی نداشته باشد.

چنین کشورهایی اساساً توان ورود به شراکت‌های استراتژیکی را که با منافع ارباب‌شان در تضاد باشد، ندارند؛ مگر آن‌که این کار با هدایت و اجازه مستقیم همان قدرت استعمارگر مسلط بر آن‌ها انجام شود. بنابراین، حتی اگر در ظاهر توافقی میان این مناطق امضا شود، این توافق هیچ ارزش واقعی و مستقلی ندارد و اعتبار آن صرفاً در همان چارچوبی است که ارباب مسلط بر آن‌ها اجازه داده است.

به‌طور مثال: اتحادیه عرب، سازمان همکاری اسلامی و شورای همکاری خلیج فارس، همگی اتحادها و ائتلاف‌هایی هستند که تصمیم‌های‌شان حتی به اندازه جوهری که با آن نوشته می‌شود ارزش ندارد.

ائتلاف مناطق خلیج فارس که سعودی، امارات و قطر را در بر می‌گیرد، با وجود همین ساختار مشترک، نتوانست در دوره تنش میان این سه منطقه، کاری پیش‌برد تا جایی که روابط میان قطر و سعودی برای سال‌ها قطع شد و اوضاع حتی تا آستانه درگیری نظامی پیش رفت. همچنین این ائتلاف نتوانست مانع رویارویی امارات و عربستان در یمن شود. در نتیجه، ائتلاف‌های مناطقی که حاکمیت واقعی ندارند و وابسته، مزدور و وفادار به قدرت‌های غربی‌اند، در عمل هیچ ارزش واقعی‌ای ندارند مگر در حدی که در خدمت منافع همان قدرت مسلط بر آن‌ها باشند.

اما ائتلاف میان امارات و هند، افزون بر این که اتحادی میان کشورهای است که حاکمیت واقعی ندارند و تصمیم‌ها، سیاست‌ها و راهبردهای منطقه‌ای و بین‌المللی‌شان بر اساس اراده خودشان شکل نمی‌گیرد و در اصل هم در خدمت منافع واقعی‌شان نیست، با یک مشکل اساسی دیگر نیز روبه‌روست؛ چراکه ارباب و حامی هر یک از این دو منطقه متفاوت است.

نارندرا مودی به آمریکا وفادار است، در حالی که امارات تحت حمایت و در عمل مستعمره بریتانیاست. در عین حال، این دو قدرت استعمارگر یعنی آمریکا و بریتانیا در منافع استراتژیک خود به‌گونه‌ای همسو نیستند که به تابعان‌شان اجازه دهند ائتلاف‌های استراتژیک واقعی و جدی با یکدیگر شکل دهند؛ به‌ویژه اگر چنین اتحادی به منافع یا ائتلاف وابسته به یکی از آن‌ها آسیب بزند یا در برابر آن قرار گیرد.

نمونه روشن آن ائتلاف پاکستان، ترکیه و سعودی است، ائتلافی که وابسته به آمریکا به‌شمار می‌رود و هدف اصلی آن بی‌تردید، مقابله با چالش‌هایی است که آمریکا در منطقه با آن روبه‌روست، به‌ویژه مقابله با نفوذ و استعمار دیرینه بریتانیا در منطقه. بر همین اساس نمی‌توان ائتلاف میان هند و امارات را ائتلاف واقعی و جدی دانست. بعید است که توافق دفاعی مشترک میان دو منطقه در عمل اجرایی شود؛ به‌خصوص در شرایطی که یکی از آن‌ها با تهدید یا خطر از سوی منطقه‌ای دیگر یا ائتلافی متفاوت روبه‌رو گردد.

همکاری میان هند و امارات در واقع چیزی فراتر از یک همکاری محدود اقتصادی نیست؛ همکاری‌ای که عمدتاً به خرید و فروش نفت و گاز یا همکاری‌های اطلاعاتی و سایبری خلاصه می‌شود و در کنار آن، هم‌سویی در مقابله با اسلام و سرکوب مسلمانان نیز دیده می‌شود. این‌ها وجوه مشترکی است که نه تنها میان این دو منطقه، بلکه میان آن‌ها و قدرت‌های حامی‌شان وجود دارد. از همین رو، آمریکا و بریتانیا مخالفتی با چنین توافقی ندارند و اجازه می‌دهند این همکاری‌ها شکل بگیرد؛ اما در همان چارچوب محدود. به بیان روشن‌تر، این ائتلاف تنها به منافع اقتصادی و دشمنی با اسلام محدود می‌ماند.

این وضعیت کاملاً با ائتلاف میان سعودی، پاکستان و ترکیه تفاوت دارد. این ائتلاف یک اتحاد استراتژیک واقعی به‌شمار می‌رود؛ زیرا اعضای آن در مدار سیاست‌های آمریکا حرکت می‌کنند. به عبارت دیگر، این اتحاد با طراحی، حمایت و اجازه مستقیم آمریکا شکل گرفته و هدف آن پیشبرد منافع آمریکا در منطقه است. از جمله اهداف این ائتلاف، مقابله با نیروها و جریان‌های وابسته به بریتانیا در منطقه و تلاش برای کاهش یا حذف نفوذ آن‌ها در مناطقی مانند یمن، سودان، امارات و در صورت امکان اردن عنوان شده است.

حکام پست و فرومایه در پاکستان، سعودی، ترکیه، امارات و دیگر سرزمین‌های اسلامی نماینده ملت‌های خود نیستند، بلکه آن‌ها مانند مهره‌های شطرنج روی صفحه کاخ سفید هستند که به کار گرفته می‌شوند و از طریق آن‌ها منابع و امکانات سرزمین‌های اسلامی برای خدمت به منافع قدرت‌های مسلط بر آن‌ها، مصرف می‌شود. مناطق غارت می‌شوند، مسلمانان سرکوب می‌شوند و مجال برخاستن پیدا نمی‌کنند.

حکام رویبضه سرزمین‌های اسلامی ابزارهایی هستند که قدرت‌های استعمارگر برای پیشبرد منافع خود در سرزمین‌های اسلامی از آن‌ها استفاده می‌کنند، کاری که به زبان ملت‌ها و به سود اربابان‌شان است. بنابراین این نظام‌ها و حکام، دشمن واقعی امت به‌شمار می‌روند و مقابله با آن‌ها واجب و ضروری است.

هر فرد مخلص در امت، به‌ویژه صاحبان قدرت و توان باید این نظام‌ها را برجینند و از حزب التحریر برای برپایی خلافت بر منبج نبوت حمایت کند. بدون چنین اقدامی، امت توان مقاومت نخواهد گرفت و این حکام به فساد در سرزمین‌های اسلامی ادامه خواهند داد، کفر و بد اخلاقی را رواج خواهند داد و فقر و هراس را گسترش خواهند داد. همان‌گونه که در قرآن کریم آمده است:

﴿إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَظَ أَهْلِهَا أُذَلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ﴾. [نمل: ۳۴]

ترجمہ: همانا پادشاہان وقتی وارد قریہ شوند، آن را تباہ می کنند و بزرگان مردمش را خوار می سازند و همین کار را انجام می دهند.

نویسنده: بلال مہاجر از ولایت پاکستان

7 شعبان 1447ھ.ق

27 جنوری 2026م.

مترجم: حسین سلحشور